

وقتی حقیقت هدف نیست الاهه بقراط

◇ چریک های فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷

◇ محمود نادری

◇ جلد اول؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

◇ تهران؛ بهار ۱۳۸۷

این کتابگزاری عمدتاً نه به مضمون کتاب بلکه به مؤسسه ناشر و هدفی که از انتشار کتاب های مشابه دنبال می کند می پردازد. پرداختن به مضمون این کتاب به معنای درگیر شدن با مسئله ای می بود که صورتش همه اطلاعات و امکانات لازم را در اختیار همه علاقمندان نمی نهد از همین رو ناقص و ناقص دسترسی آزادانه به اسناد و اطلاعاتی است که تنها در اختیار گروهی از امنیتی ها قرار دارد و هر بار برای اهداف تبلیغاتی معین انتشار می یابد. اهدافی که در مرکز حقیقت ابدی جمهوری اسلامی و انکار گذشته و تاریخ عرفی ایران و همه افراد و گروه های مخالف و دگراندیش قرار دارد.

مؤسسه ای که کتاب «چریک های فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷» را منتشر کرده است، پیش از این بیش از پنجاه کتاب دیگر را به چاپ رسانده که بخشی از آنها عمدتاً با استفاده از اسناد ساواک و بازجویی ها تهیه شده اند. اسنادی که پس از انقلاب به دست نیروهای امنیتی جدید و سپس وزارت امنیت و اطلاعات کشور (واواک) افتاد. نخستین کتاب این مؤسسه «دو مقاله» نام دارد که به گفته ناشرانش «حاوی دو مقاله از سعید شاهسونی عضو شورای مرکزی سازمان منافقین و انوشیروان لطفی عضو چریک های فدایی (اکثریت) می باشد». سعید شاهسونی (۱۳۲۹) در حمله نظامی مجاهدین از عراق به ایران در عملیات موسوم به فروغ در سال ۱۳۶۷ توسط نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شد و اینک سالهاست در خارج از کشور بسر می برد. انوشیروان لطفی (۱۳۲۸) در سال ۱۳۶۲ دستگیر و در سال ۱۳۶۷ در زندان اوین به دار آویخته شد.

بنا به نوشته این مؤسسه «در کتاب دو مقاله از بن بست ایدئولوژیک، به آخر خط رسیدن سیاسی، وابستگی به قدرت های استکباری، چرخش های یکصد و هشتاد درجه ای و دهها واقعیت دیگر سخن رفته است که می تواند تصویری منطبق با واقع از چهره حقیقی این دو گروه را به نمایش بگذارد». شاهسونی و لطفی این مقالات را در زندان نوشته اند.

و اما نخستین کتاب به اصطلاح پژوهشی این مؤسسه «کودتای نوزده» نام دارد. در معرفی این کتاب که نخستین بار در سال ۱۳۶۷ منتشر شد آمده است: «درباره ماهیت مجریان و علل و عوامل کشف کودتا مطالب ناگفته بسیاری وجود دارد که در آینده ای نزدیک و بر اساس اسناد و مدارک منتشر نشده در کتاب جداگانه ای به چاپ خواهد رسید... کتاب حاضر [چاپ چهارم]... تا کنون تنها منبع تحقیقی و تحلیلی موجود به زبان فارسی درباره این کودتا محسوب می شود».

دیگر کتاب های این مؤسسه از جمله عبارتند از: «سه حزب» در مورد حزب های «مردم»، «میلیون» و «ایران نوین» که در رژیم پیشین فعالیت می کردند. «حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی» که ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۸ در بر می گیرد و جلد اول آن در سال ۱۳۷۰ و مجموعه کامل آن همین امسال منتشر شد. «گفتگو با تاریخ» مصاحبه با نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران که نیمه اول آن در سال ۱۳۷۶ منتشر شد و مؤسسه مزبور «ضمن بازیابی نیمه دوم مصاحبه آن را همراه بخش پیشین» در سال ۱۳۸۶ یعنی هشت سال پس از مرگ کیانوری در سال ۱۳۷۸ منتشر کرد.

در کتاب «ساواک» به گفته نویسندگان «هزاران برگ از اسناد محرمانه و طبقه بندی شده مضبوط در بایگانی های ساواک مطالعه و بررسی شده و صدها برگ سند منتشره دیگر مورد استفاده قرار گرفته است».

متن کامل «سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام» در سه جلد همراه با اسناد و تصاویری که به گفته ناشر «برای اولین بار ارائه و منتشر شده است» در سایت این مؤسسه قابل پیاده کردن است. گفتنی است که این کتاب «در نخستین جشنواره جایزه ادبی «جلال آل احمد» برنده بهترین اثر در بخش «تاریخ نگاری و مستندنگاری» شناخته شد و به دریافت جایزه تندیس زرین، لوح تقدیر و ۲۵ سکه طلا نائل آمد» و نویسندگان این جایزه را روز دوم آذر ۱۳۸۷ از صفار هرندی وزیر ارشاد و حداد عادل رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی دریافت داشتند.

از به اصطلاح پژوهش های دیگر این مؤسسه می توان به «پس پرده هولوکاست» (۱۳۸۵) و «کشف حجاب» (۱۳۷۸) اشاره کرد. این مؤسسه به برگزاری همایش ها و هم چنین انتشار یک فصلنامه نیز اشتغال دارد که عمدتاً در زمینه رویدادهای تاریخ معاصر ایران و تبیین آنها بر اساس بینش و ایدئولوژی رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند و این را می توان از طیف انتشارات آن نیز دریافت.

در معرفی اهداف ناشران و نویسندگان این مؤسسه در سایت آن چنین می خوانیم: «مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی در سال ۱۳۶۷ به منظور پاسخ گویی به انبوه پرسش ها درباره علل وقوع انقلاب اسلامی و زوایای پنهان تاریخ معاصر، توسط جمعی از علاقمندان بنیان نهاده شد. مؤسسه بر این باور بود که باید پیش از آنکه «غبار زمانه» بر رویدادها فرو نشیند و آن را از ذهن و ضمیر تاریخ بزدايد به ثبت و ضبط آن همت گماشت و به آیندگان سپرد... مؤسسه همچنین اعتقاد داشت... می توان با پژوهش در انبوه اسناد به دست آمده از «درباریان» و دیگر دستگاه های رژیم منقرض شده، علل واقعی برآمدن و فرو افتادن سلسله پهلوی و طلوع انقلاب اسلامی را تبیین کرد. برای تحقق این منظور دستیابی به اسناد ساواک می توانست بسیاری از راز و رمزها را بگشاید».

در بخش نویسندگان این مؤسسه بیش از همه بر عبدالله شهبازی از اعضای پیشین حزب توده ایران تأکید شده و در کنار وی نام و مشخصات چند نفر دیگر با عکس و بی عکس آمده است. عبدالله شهبازی در سایت خود بر کمک ها و امکاناتی که وزارت اطلاعات در اختیار وی گذاشت تا وی کتاب های «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی- خاطرات فردوست» و کتاب «گفتگو با تاریخ- مصاحبه با کیانوری» را تهیه کند، تأکید می نماید و یکی از افتخارات خود را همانا تأیید و تشویق «مقام معظم رهبری» در انتشار کتاب «زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران» می شمارد.

در میان نویسندگان این مؤسسه اما از عکس و نام «محمود نادری» به عنوان نویسنده کتاب «چریک های فدایی خلق» نشانی نیست. هیچ اثر دیگری نیز زیر نام «محمود نادری» وجود ندارد. شاید با انتشار جلد دوم این کتاب که وعده انتشار آن داده شده و قرار است به وضعیت «چریک های فدایی خلق» پس از انقلاب اسلامی بپردازد، مشخصاتی نیز برای وی جهت انتشار تهیه شود.

حقیقت

منظور از آوردن این شرح در مورد ناشران این کتاب و کتاب های مشابه، تأکید بر این نکته بود که «تاریخ» هنگامی که از یک دیدگاه خاص و از زاویه منافع و با تکیه بر پشتیبانی دست و دلبازانه یک گروه و یا یک رژیم نوشته می شود، آنگاه بدون تردید نه با «تاریخ نگاری» بلکه با «تحریف نگاری» روبرو هستیم حتی اگر بر اساس اسنادی تنظیم شده باشد که در درستی آنها تردیدی نباشد. بر این اساس در کتاب «چریک های فدایی خلق» نیز مانند دیگر انتشارات این مؤسسه که اهداف مبتنی بر نفی رژیم گذشته و اساساً انکار تاریخ عرفی ایران در صد سال گذشته و همه گروه های دگراندیش و مخالف نظام جمهوری اسلامی را دنبال می کند، قطعاً حقیقت را می توان یافت لیکن نه همه حقیقت را. نیمه بیشتر حقیقت را که هم در رژیم گذشته، هم در رژیم کنونی و هم در محدوده افراد و احزاب و گروه های ذینفع پنهان مانده است، آن نسلی در برابر چشم همگان قرار خواهد داد که در یک شرایط باز و مستقل و به دور از هرگونه دخالت و فشار امنیتی و حکومتی به کند و کاو در اسناد بپردازد و هیچ سودی در تحریف تاریخ نداشته باشد و نان خود را از پژوهش های آن چنانی در نیابد. ایران هنوز آستان آن نسل است.

لیکن این بدان معنا نیست که اگر اسناد بدون تحریف و توسط افراد کاملاً بی غرض، نه الزاماً بی طرف، مورد بررسی قرار گیرند، نتیجه به سود این یا آن رژیم و به نفع این یا آن گروه خواهد شد. بلکه تنها بیان این واقعیت است که حقیقت هرگز نمی تواند توسط یک سازمان امنیتی ثبت و مستند شده باشد! فرقی نمی کند این سازمان امنیتی ساواک و یا اوواک باشد. در هیچ جای جهان نیز سازمان های امنیتی به تاریخ نگاری و تفسیر رویدادها با هدف روشننگری، آنگونه که مؤسسه مزبور ادعا دارد، نمی پردازند. بلکه در دوره های سی یا پنجاه ساله اسناد را منتشر می کنند و تاریخ و تفسیر را به دیگران می سپارند. این در حالی است که نویسندگان این مؤسسه به خوبی می دانند آنچه در اختیار آنها قرار گرفته تا به کتاب نویسی بپردازند، الزاماً تمامی اسنادی که توسط ساواک مکتوب شده است، نیست. وانگهی، آیا کسی هست که ادعا کند تمامی حقیقت درباره چه آنهایی که با انقلاب اسلامی به قدرت رسیدند و چه آنهایی که توسط این به قدرت رسیدگان قلع و قمع شدند، توسط ساواک مکتوب و مستند شده است؟! مگر مأموران ساواک مورخ و یا مستندساز بوده اند؟!

هدف

کتاب «چریک های فدایی خلق» شامل یک پیشگفتار و چند بخش اصلی به نام «تا سیاهکل»، «هم استراتژی، هم تاکتیک»، «غلبه بر چریکیسم»، «دگردیسی جنبش و پیامدهای آن»، «جنبش مسلحانه، خیزش مردمی» و «پیوست ها» است. از آنجا که سازمان چریک های فدایی خلق ایران پس از انقلاب اسلامی به گروه های مختلف منشعب شد، از این رو برخورد هر یک از آنها با این کتاب تا آنجایی که به اسناد ساواک و گفتاوردهایی از تاریخچه این سازمان مربوط می شود، قطعاً متفاوت خواهد بود. باید دید جلد دوم این کتاب که به «چریک های فدایی» پس از انشعاب های آن می پردازد، تمرکز خود را بر روی کدام یک از آنها قرار خواهد داد.

نویسنده مؤسسه مربوطه که از تأثیرات بازجویی به خوبی مطلع است در پیشگفتار می نویسد: «پس از سپری شدن مدت زمان معین و مقرر که اطلاعات مفید بازجویی شونده اخذ می شود، یا می سوزد، به مرور زمان از فشارها کاسته می شود و آنگاه مسائل دیگری برای بازجو اهمیت می یابد. بنابر این بازجویی های مفصل و چندباره اعضای گروه های چریکی حاوی اطلاعات دقیق و قابل اعتنایی است. این بازجویی ها فقط به بیان فعالیت های گروه محدود نمی گردد، بلکه روحیات بازجویی شونده و یا دیگر افراد گروه و هم چنین مناسبات بین آنان نیز در آنها بازتاب می یابد که به لحاظ روان شناختی بسیار حائز اهمیت است. البته شاید بتوان برای اسطوره سازی های دروغین و بیهوده که اتفاقاً بیماری رایجی نیز هست، بازجویی ها را یکسره فاقد اهمیت و مجعول دانست. اگر چنین بپنداریم باید برای این پرسش، پاسخی شناسنده بیابیم که چرا پس از هر دستگیری، خانه های امن به سرعت تخلیه می شد و یا ضربه ای دیگر به گروه وارد می گردید؟»

به این ترتیب یکی از اهداف این کتاب ارائه اسناد معتبر برای اعلام بی اعتباری «اسطوره های دروغین و بیهوده» است. بگذریم از اینکه اسطوره نیروهای سیاسی و «قهرمانان» آنها زمانی شکست که از یک سو بخش مهمی از آنان برای شکوفایی جمهوری اسلامی به زیر پرچم آیت الله خمینی رفتند و بخش دیگرشان ناتوانی خود را در برخورد با واقعیات به نمایش گذاشتند.

ولی از آنجا که این اسناد از یک سو در شرایط غیرعادی از جمله زیر فشار بازجویی و شکنجه و از سوی دیگر از سوی دشمن، یعنی ساواک، تهیه شده اند، پس اعتبار و حقیقت آنها مورد تردید خواننده قرار می گیرد. از همین رو نویسنده برای تأکید بر اعتبار این اسناد با تکیه بر اینکه پس از هر دستگیری خانه های امن به سرعت تخلیه می شدند و یا گروه ضربه می خورد، می افزاید: «بنابراین می توان نتیجه گرفت که اسناد اطلاعاتی اعم از بازجویی ها و یا گزارش ها و مکاتباتی که درون یک سازمان اطلاعاتی تولید شده است، بسیار حائز اهمیت می باشد». قطعاً چنین است. لیکن اهمیت این اسناد به معنای حقیقت آنها نیست. به ویژه وقتی به این نکته توجه کنیم که در هر بازجویی دو طرف وجود دارد، و در این اسناد تنها یک طرف مستند شده است: آن کس که بازجویی پس می دهد!

سند

در این کتاب نیز مانند کتاب های مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب توده ایران، بازجویان و برخورد آنها از جمله ترندهای آنان برای حرف کشیدن از بازجوشونده که شکنجه روحی و بدنی تنها یکی از شیوه های آنهاست، جز اشاراتی گذرا که آن هم برای بهره برداری علیه رژیم پیشین است، مستند نشده است. و کیست که نداند بازجویی همواره در یک شرایط نابرابر صورت می گیرد. یک طرف همه امکانات را در اختیار دارد و طرف دیگر از همه امکانات محروم است. این وضعیت سندیت آنچه را توسط ساواک ثبت شده است از بین نمی برد، لیکن دامنه حقیقت را کاهش می

دهد و چهره آن را مخدوش می کند. حتما نباید به زندان رفت و بازجویی شد تا دانست زندانی در یک شرایط نابرابر و غیرانسانی مجبور به گفتن و نوشتن است. زندانی مجبور به تلاش برای ندادن اطلاعات و رهایی از فشار بیشتر است و هر زندانی به شیوه خود و بر اساس توانایی های جسمی و روحی خود با این شرایط نابرابر روبرو می شود. نشان دادن ضعف در زیر شکنجه و یا حتی بدون شکنجه اگرچه از نظر اخلاقی پسندیده نیست، لیکن کاملا انسانی است. هیچ انسانی نمی تواند فراتر از مرزهای توانایی خود واکنش نشان دهد. زبان بازی و خوش رقصی برخی توپان که به ویژه در زندان های رژیم کنونی به همکاری فکری و عملی با آن پرداختند البته در مقوله دیگری می گنجد.

بر این اساس، انتشار این اسناد، درباره هر حزب و گروهی که باشد، به خودی خود مثبت یا منفی نیست. موضوع اما بر سر این است که این اسناد در شرایطی انتشار می یابد که مطلقا بهتر از شرایط سیاسی در رژیم پیشین نیست. از سوی دیگر توسط مؤسسه وابسته به نهادی صورت می گیرد که روی ساواک را در قلع و قمع مخالفان سفید کرده است. نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی نمی توانند به بررسی بی غرضانه اسناد یک سازمان اطلاعاتی مشابه خود درباره گروه ها و سازمان هایی بپردازند که یک بار دیگر توسط خود اینها مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفته، گاه به همکاری کشانده شده و در بسیاری موارد به جوخه اعدام سپرده شده اند. همین بی شرمی است که انتشار چنین کتاب هایی را چنان با انزجار روبرو می سازد که حتی برخی از کتاب فروشی ها در ایران و خارج از کشور از فروش آنها خودداری می ورزند.

از سوی دیگر، این اسناد دست چین شده اند. بی تردید (اگر از بین برده نشده باشند) اسناد دیگری وجود دارند که می توان آنها را به گونه ای دست چین کرد که بتوان کاملا تصویر دیگری از سازمان ها و گروه های یاد شده به نمایش گذاشت. تصویری که اگر هر کدام از این گروه ها به جای مجموعه حاضر به قدرت می رسید، چه بسا مانند واواک کاری جز این نمی کرد. عین همین تصویر را جمهوری اسلامی با دست چین کردن اسناد ساواک درباره آن افراد خود که در رژیم گذشته زندانی بودند، ارائه داده است.

برای یک پژوهش جدی، مستقل و بدون تحریف اما شاید تجربه آلمانی ها که در دو دوره متفاوت، یک بار شصت سال پیش به اسناد اطلاعاتی رژیم فاشیستی هیتلر، و بار دیگر بیست سال پیش به اسناد اطلاعاتی سازمان رژیم کمونیستی آلمان شرقی دست یافتند، از تجارب ارزنده باشد. کار بررسی اسناد توسط نهادهای مستقل و متشکل از تاریخ نگاران و حقوقدانان انجام می گیرد و هدف آن نه توجیه و توضیح دمکراسی و جمهوری فدرال آلمان و زمامداران آن، بلکه بیرون کشیدن وقایع و حقایق همان دوران و زمامداران و افراد مؤثری است که آن رژیم ها را برپا داشته و در آن حکومت کرده و فرو پاشیده اند. تحریف تاریخ در جوامع آزاد نیز وجود دارد لیکن توسط افراد خصوصی انجام می شود و مورد حمایت دولت قرار نمی گیرد. دست همه نیز برای برخورد با این تحریف ها باز است.

مخاطب

در مورد انتشارات مؤسسه مزبور اما خواننده ای که از قماش نویسندگان باشد، از همان آغاز کتاب را به عنوان حقیقت محض دنبال می کند و به نتیجه دلخواه نویسنده می رسد. خواننده ای هم که در جهت مخالف قرار داشته باشد، کتاب را به مثابه یک توطئه اطلاعاتی و سراسر دروغ به پایان می رساند. هیچ امکانی هم برای بحث و برخورد در افکار عمومی وجود ندارد. آنچه در این میان قربانی می شود همانا حقیقت است که نه این و نه آن است. دلیل این ناکامی و انشقاق در مخاطبان و فدا شدن حقیقت را باید در جنس ناشران و نویسندگان چنین کتاب هایی جست و این تنها شامل «مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی» وابسته به وزارت اطلاعات و امنیت کشور (واواک) نمی شود. هر کدام از گروه های سیاسی نیز اگر تاریخچه خود را بر اساس اسناد و مدارکی که در اختیار دارند منتشر کنند، با همین ناکامی و همین انشقاق در مخاطب و فدا شدن حقیقت روبرو خواهند بود. زیرا آنکه باید این تاریخ را بنویسد، هیچ کدام از آنها نیستند. تاریخ را کسانی می نویسند که سودی در تأیید، تکذیب و یا تحریف آن ندارند.

از همین رو پرسیدنی است آیا وزارت اطلاعات و «مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی» حاضرند اسناد نهادهای امنیتی رژیم گذشته و ساواک را درباره فداییان اسلام، هیئت های مؤتلفه اسلامی و «تکنویسی» افراد روحانی و غیرروحانی که با انقلاب اسلامی به قدرت رسیدند و هم چنین اسناد ترورهای آنها را در اختیار پژوهشگران قرار دهند تا «پیش از آنکه «غبار زمانه» بر رویدادها فرو نشیند» به بررسی «کنش ها» آنها بپردازند؟! راست این است که نه این کتاب، بلکه آنچه دست کم تجربه ایرانی جنبش های چریکی، اعم از مذهبی و کمونیستی، در اختیار می نهد این است که مبارزه مسلحانه هم طنز، هم تراژدی بوده است بدون آنکه حماسه باشد و افتخاری داشته باشد. در نهایت نیز نه شهر و نه کوه بلکه حوزه علمیه مهر خود را بر پیشانی انقلابی کوبید که خیزاب کینه اش نسبت به رژیم گذشته و مخالفان خودش هنوز فرو ن خوابیده است. کتاب وزارت اطلاعات در این زمینه نیز حرف تازه ای برای گفتن ندارد.

حاصل

ولی این کتاب خسته کننده که در برخی موارد تکراری و پر از قرار و فرار و ترور و لو رفتن و لو دادن و تکنویسی است، شاید برای آنهایی که در این ماجراها بوده اند و یا کسانی را از میان آنها می شناسند، جذاب باشد، وگرنه نه جذابیتی برای نسلی که جمهوری اسلامی پرورده است دارد و نه «تاریخ نگاری» و «پژوهش» است که به درد اهل فن بخورد. گردآورنده این اسناد که در موارد معدود اظهار نظر همراه با کنایه و یا پرسش های سخیف می کند و گاه متلک می پراند، بیش از بیست صفحه را به نظریات حزب توده ایران در رد «چریکیسم» (اصطلاح نویسنده است که در زبان های دیگر معادل ندارد) و «تروریسم فداییان» اختصاص می دهد. این همه نه تاریخ یا پژوهش، بلکه گزارشی است از مباحثات و افرادی که پنجاه سال بعد نقش مجموعه آنها در حدی که سزاوار آن است شاید تنها چند برگ از تاریخ را پر کند.

گزارشی که مانند دیگر انتشارات این مؤسسه تنها برای تأیید حقانیت انقلاب اسلامی و رژیم کنونی تهیه شده و این گونه به پایان می رسد: «شاید بتوان علت مواضع بعدی چریک ها را در برابر انقلاب فهم کرد زیرا آنان فرصت نیافتند ایران را سراسر سیاهکل کنند و انقلاب بی اعتنا به مشی جزئی و احمدزاده به عمر رژیم دیکتاتوری خاتمه داد. این واقعیت برای چریک ها بسیار آزاردهنده بود» حال آنکه این حکم کاملا بی انصافی است. همه آنهایی که این مؤسسه درباره شان کتاب نوشته است، از مدافعان رژیم پیشین تا مخالفان آن، در شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند و به همین دلیل مسئولیت دارند.

گذشته را می توان تحریف کرد لیکن تغییرش نمی توان داد. بر این اساس کتاب های «مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی» از نظر تاریخ نگاری درباره رویدادها و افراد و احزاب و گروه ها بی ارزش هستند، چرا که تلاش می کنند با تحریف، گذشته را تغییر دهند. لیکن به عنوان اسناد تحریف تاریخ توسط دستگاه تبلیغاتی در دوران جمهوری اسلامی از منابع معتبر به شمار می روند. درست مانند آنچه پس از رژیم های فاشیستی و کمونیستی اتفاق افتاد، آیندگان می توانند با مراجعه به این کتاب ها به بررسی و پژوهش درباره روند تحریف و مغزشویی در نظام جمهوری اسلامی بپردازند.

هنوز معلوم نیست نام جلد دوم کتاب «چریک های فدایی خلق» که به فعالیت آنها در جمهوری اسلامی خواهد پرداخت چه خواهد بود ولی برای پی بردن به بی اعتباری چنین پژوهش هایی کافیتست به نام کتاب هایی که درباره دو گروه سیاسی ایران منتشر شده است توجه کنید: یکی «سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام» و دیگری «حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی»! وقتی یک «مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی» چنان به انکار زمان حال و موجودیت این گروه ها در برابر چشم همه بپردازد که «فرجام» و «فروپاشی» آنها را اعلام کند، چگونه می تواند تاریخ و پژوهشی مستند و قابل اعتماد از آنچه ارائه دهد که دیگر در برابر چشم هیچ کس نیست؟!

ژانویه ۲۰۰۹